

پاسخ جمعی از کارشناسان مسائل سیاسی به یک سوال مهم در فضای سیاسی کشور

چرا مشارکت دوم کم شد؟



زهرا طیبی خبرنگار گروه شد روز

انتخابات مجلس دوازدهم زنگ خطر را در مورد کاهش میزان

مشارکت به صدا درآورد. فارغ از نتیجه انتخابات، کاهش مشارکت وبی‌رقعی در این دوره از انتخابات به وضوح مشخص بود؛ این روند کاهشی که البته از انتخابات مجلس ۹۸ شروع شد، حالا به مرحله‌ای رسیده که لازم است علل کاهش مشارکت و مواردی که می‌تواند این

بی‌رقعی را ترمیم کند، شناسایی کرد و برای رفع آن برنامه‌ریزی جدی داشت. جدای از این اما انتخابات مجلس دوازدهم رویدادهای تلخی مثل پروژه‌های افشاگری‌های شب انتخاباتی هم داشت که به نظر می‌رسد در آسیب‌رسانی به انگیزه مردم در مشارکت حتی در

دوره‌های بعدی هم تاثیرگذار باشد. به همین بهانه به بررسی علل کاهش مشارکت پرداختیم. با ناصر ایمانی، سعید آجورلو و عباس سلیمی‌نمین، تحلیلگران مسائل سیاسی گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید.

ناصر ایمانی: واگرایی‌های فرهنگی و گریز از هویت ملی موثرتر و بیشتر از عوامل اقتصادی در کاهش مشارکت نقش دارند

ناصر ایمانی ابتدا در پاسخ به علل کاهش مشارکت، به این موضوع اشاره کرد که به نظر می‌رسد به جز رهبری در نگاه دیگر مسئولان، مسأله مشارکت اهمیت جدی ندارد و گفت: «به نظر من می‌رسد در مجموع – حکمرانی ما- به غیر از شخص مقام معظم رهبری، حساسیتی نسبت به مسأله میزان مشارکت نمی‌بینیم. به تعبیر دیگر شاید از مجموع فرمایشات رهبری در سال‌های گذشته در مورد مشارکت، بتوان این طور نتیجه‌گیری کرد که ایشان اقتدر به مسأله مشارکت اهمیت می‌دهند که مشارکت را مهم‌تر از نتیجه می‌دانند؛ نتیجه به این معنی که این افراد با چه گرایش‌های سیاسی وارد مجلس یا ریاست جمهوری شوند. اما وقتی یک رده پایین‌تر می‌آییم فاصله ایشان با بقیه کارگزاران نظام نه فقط دولت، بسیار زیاد می‌شود و گویی نتیجه برایشان مهم‌تر از میزان مشارکت است. در مجموع حساسیت در موضوع مشارکت به جز شخص رهبری، در درجه پایین‌ی قرار دارد و شاید به همین دلیل است که در اخبار علنی، محرومانه یا هر چیزی، نمی‌شنوید که مراکز یا نهادهایی روی همین سوالی که شما از من می‌پرسید؛ که علل کاهش مشارکت چیست و چه عللی وجود دارد و به هر کدام از علل چند درصد سهم بدیم و بعد چه اقداماتی برای اینکه این دغدغه‌های ملی به مرور زمان رفع شود، حساس باشند.»

ایمانی ناپسمانی‌های اقتصادی در کاهش مشارکت راتنها علت ندانست و گفت: «واقعیت این است که یک دلیل برای بررسی علل کاهش مشارکت وجود ندارد؛ دلایل مختلفی اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی وجود دارد. اینکه سهم هر کدام از این دلایل چقدر است بحث دیگر است. قطعا نارضایتی‌های اقتصادی در این کاهش نقش دارد و قطعا نارضایتی از کارآمدی مجموعه دستگاه‌های حکمرانی نقش دارد، واگرایی‌های فرهنگی مردم نسبت به حکمرانی نقش دارد. قطعا اختلاف دیدگاه‌هایی که مردم با حکومت در برخی عرصه‌های فرهنگی دارند، نقش دارد، مسأله تفاوت نسل‌ها که این نسل با نسلی که مدیران ما از آن نسل هستند بسیار متفاوت است؛ الان مدیران ما از نسلی هستند که بسیاری از مردم ما از آن نسل نیستند و اصلا هم زبان نیستند. همه این عوامل وجود دارد. الان نکته مهم این است که برخلاف آنکه بسیاری از صاحب‌نظران، افراد حدمی مردم، تصور می‌کنند که عامل اصلی نارضایتی اقتصادی است اتفاقا نارضایتی‌های اقتصادی عامل اصلی نیست، نه اینکه عامل مهمی نیست؛ شاید اگر عوامل دیگری نبود یا درصد آن بسیار محدود بود، نارضایتی اقتصادی مردم باعث این حجم از کاهش مشارکت نمی‌شد. چرا؟ اگر دقت کرده باشید در ۱۰ سال اول انقلاب هم شرایط اقتصادی بسیار بدی داشتیم حتی شاید کمتر از الان، اما به دلایل دیگری میزان مشارکت و حضور مردم در عرصه‌های مختلف پرتنگ‌تر از الان بود، بنابراین عامل اقتصادی عامل پرتنگی در کاهش مشارکت نیست و شاید واگرایی‌های فرهنگی و

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳



شماره ۴۱۳۸



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

سعید آجورلو: امید به گره‌گشایی در میان مردم از دهه ۹۰ کم‌رنگ شده

سعید آجورلو کارشناس مسائل سیاسی اما معتقد است تضعیف نهاد سیاسی منجر به کاهش مشارکت شده است. او در توضیح علل کاهش مشارکت گفت: «نهاد سیاست تضعیف شده است. در این ایام که بین مردم بوم این امر قابل مشاهده بود که امید به گره‌گشایی از نهادهای سیاسی نزد مردم و نسبت به دهه ۹۰ و دهه ۸۰ کمتر شده است و ربط مفاداری بین حل مسائل مردم و وضعیت اقتصادی، وضعیت کلی جامعه، چشم‌انداز جامعه و مشارکت در انتخابات وجود دارد. حد واسط این دو همیشه نهادهای سیاسی یا نهاد انتخابات بودند. ما یک دهه ۹۰ تا حد زیادی از دست رفته و تلخی از نظر شاخص‌های اقتصادی –مخصوصا از نیمه دوم دهه ۹۰- داشتیم که معلول عوامل مختلفی است. بخشی از آن به خاطر انفعال دولت روحانی است، بخشی ظهور ترامپ است، بخشی کروناس‌ت اما مهم‌تر از هر چیزی این است که شاید دولت روحانی به واسطه تک‌راه‌حلی بودن به آن ضربه زد و رابطه نهادسیاسی و مردم به یک رابطه تضعیف‌شده تبدیل شده است. از ۹۸ تا امروز میزان مشارکت زیر ۵۰ درصد است. کم‌اینکه در دور دوم انتخابات مجلس هشتم و نهم مشارکت نصف دور اول بود اما در انتخابات روز جمعه مشارکت حتی نصف دور اول هم نبود؛ اگر نصف بود تقریبا به ۱۲ درصد می‌رسید و ۴ درصد کم شد و اینها حدود ۳۰۰ هزار رای بود. فکرمی‌کنم تضعیف نهاد انتخابات مرتبط با تضعیف نهادهای سیاسی و تضعیف کارکرد آنهاست و ضعف در گره‌گشایی و حل مسأله و کارآمدی است. درواقع مردم می‌بایست نتایج ملموس هم احساس کنند.»

حد و مرز رقابت سیاسی همچنان نامشخص

آجورلو در ادامه به رقابت سیاسی جناح‌های سیاسی هم اشاره کرد و توضیح داد: «نکته بعد اینکه درواقع حد و مرز رقابت سیاسی در کشور مشخص و معین نیست. اولاً رقابت سیاسی معنادار در انتخابات ۱۴۰۲ به صورت کامل شکل نگرفت. بخشی از علت شکل نگرفتن این رقابت به خاطر طیف رادیکال اصلاحات است که اجازه پیش‌ثبت‌نام، مشارکت و رقابت را به اصلاح‌طلبان

ندادند. حتی همین روزنه‌گشایشان مورد انتقاد بقیه اصلاح‌طلبان قرار گرفتند و خاتمی هم بیشتر جانب اصلاح‌طلبان را دیکال را گرفت. وقتی «رقابت معنادار» وجود نداشته باشد، نهاد انتخابات هم تضعیف می‌شود و از آن سمت هم رقابت تخریبی، سلبی و بدون برنامه و حوزه‌های ایجابی و کمپین منفی به جای اینکه بتواند ضعف ناکارآمدی را از بین ببرد، خودش تبدیل به عامل دیگری شده که مشارکت پایین بیاید. عدد مشارکت در کلاتشهرها و پایتخت، عدد نگران‌کننده‌ای است. می‌شود گفت یک چهارم از واجدان شرایط در پایتخت مشارکت کردند. نکته دوم هم این است که تبدیل شدن رقابت سیاسی به رقابت درون جناحی نه تنها برای مردم خیلی معنادار نیست و مشارکت خلق نمی‌کند، بلکه موجب می‌شود سرمایه اجتماعی هم کم شود و نهاد انتخابات تضعیف شود. این دو عامل هم نیروهای سیاسی، هم نیروهای اجتماعی را در برمی‌گیرد.»

رابطه نهادهای سیاسی با اجتماعی تضعیف شده است

تضعیف رابطه نهادهای سیاسی و اجتماعی عامل دیگری است که آجورلو آن را در کاهش میزان مشارکت مؤثر دانست و توضیح داد: «رابطه نهادهای سیاسی با نیروهای اجتماعی تضعیف شده و نیروهای اجتماعی به اندازه کافی از نیروهای سیاسی پشتیبانی نمی‌کنند یا نیروهای سیاسی خواست عمومی را پشتیبانی نمی‌کنند و شما می‌بینید مشکل برنامه و ایده داریم و تنها ایده یک گروه این است که من حیات رئیس‌ه را تغییر می‌دهم، این خواسته بنیان اجتماعی ندارد. خواسته اصلی جامعه این است که مجلسی کارآمد برای حل مسأله - که بتواند نظارت قوی داشته باشد و قانون‌ها را اجرا کند- متأسفانه در برنامه خیلی از گروه‌های سیاسی دیده نمی‌شود. آنچه در فضای سیاسی غالب شده همین فهرست‌ها و لیست‌ها هستند نه برنامه‌ها. گذشته‌ها یا کارهای ایجابی و چشم‌اندازها به نظر می‌رسد حاصل این مشارکت پایین می‌شود که مجلس تضعیف شود و خروجی از مجلس برای کار بیرون نیاید و اینها یک چرخه است که مدام همدگر را تقویت می‌کنند. ما باید این چرخه را به هم بزنیم و اجازه ندهیم مجلس دوازدهم، مجلس تفرقه و تلخ کردن کام ملت

باشد. اگر این اتفاق بیفتد، احتمال اینکه مشارکت پایین‌تر بیاید وجود دارد. ما باید بتوانیم مرزی در این اختلاف و کار کردن و خروجی گرفتن ایجاد کنیم که به نظر من کار خیلی سختی است.»

باید از یخ‌زدگی سیاسی که با آن مواجه هستیم، عبور کنیم

آجورلو درباره اینکه چه اقداماتی برای افزایش مشارکت در انتخابات‌های بعدی می‌توان انجام داد، گفت: «اولین نکته این است که اصل موضوع را انکار نکنیم و بپذیریم این میزان مشارکت، عدد خوبی نیست. مشارکت ۴۱ و ۴۲ درصد شاید چیز نرمالی باشد که در بقیه کشورها هم اتفاق می‌افتد اما اگر تبدیل به روند شود، شاید خیلی مناسب نباشد. برخی این را نمی‌پذیرند و اساسا این مدل مشارکت را می‌پسندند که هم در بخشی از طیف‌های افراطی جریان اصلاح‌طلب وجود دارد تا بتوانند طعنه بزنند، هم در بخش‌هایی از جناح راست و به نظر من خلاف گفتار رهبری و ایده جمهوری است. نکته بعد این است که نیروهای سیاسی و احزاب خود را ترمیم و رابطه خود را با جامعه تقویت کنند. این امر به نظر من نکته مهمی است، تا زمانی که فاصله احزاب با نیروهای سیاسی زیاد باشد، همچنان در روی همین پاشنه می‌چرخد. نکته بعد این است که رقابت به‌معنای اجتماعی و سیاسی شکل بگیرد، مردم حس کنند که سلیاق مختلف در صحنه حضور دارند و براساس نسبت خود با آن سلیقه‌ها وارد آن صحنه شوند. نکته بعد اینکه خروجی از نهادهای سیاسی بیرون می‌آید، خروجی قابل لمس و ملموسی مشاهده می‌شود که بتواند به مردم امید دهد و چشم‌اندازی برای مردم ایجاد شود. شاید کار سختی باشد، شاید هم زمان ببرد اما می‌شود چند قدم را در این مسیر برداشت. ما باید از این یخ‌زدگی سیاسی – که حاصل عواملی است که گفتیم – عبور کنیم، باید تغییراتی در این آرایش بدیم. قدم اول انکار نکردن است و وقتی انکار نکردیم، شرایط برای نکات بعد ایجاد می‌شود. در شرایط فعلی فکر می‌کنم، از ظرفیت انتخابات ریاست جمهوری می‌شود برای مشارکت بالای ۵۰، ۶۰ درصدی استفاده کرد تا بشود مجدد نهاد انتخابات و نهاد سیاست را تقویت کرد.»

عباس سلیمی‌نمین: رقابت‌های غیراصولی منجر به دلزدگی مردم در این انتخابات شد

رهبرانقلاب مخالف حذف اصلاح‌طلبان از انتخابات بودند، اما برخی اصولگرایان بر این موضوع اصرار کردند

سلیمی‌نمین به این موضوع اشاره کرد که برخی برخلاف مخالفت رهبری دنبال حذف اصلاح‌طلبان از انتخابات بودند که موفق به انجام آن شدند و توضیح داد: «برخی جریان‌ات اصولگرا در انتخابات گذشته این‌گونه بیان می‌کردند که اصلاح‌طلبان را به خاطر خطاهای فاحش سیاسی‌شان کنار بگذاریم. همه یک طیف را کنار بگذاریم و رقابت را تنها در طیف اصولگرا تعریف کنیم. رهبری صراحتا با این بحث مخالفت کردند و تاکید داشتند جریان اصلاح‌طلب یک تفکر و گرایش است. هرگز نمی‌توانیم یک گرایش را از جامعه حذف کنیم. رهبری هم گفتند که حتی اگر بتوانیم هم کار غلطی است. متأسفانه برخی جریان‌ات در طیف اصولگرا بر این خواسته اصرار کردند و توانستند در این دور از انتخابات، به چیزی که دنبال می‌کردند برسند. این یکی از دلایل عمده کاهش مشارکت در انتخابات بود. به‌گونه‌ای عمل شد که مسائل در طیف اصلاح‌طلب به نفع نیروهای تندروی اصلاح‌طلب و آنهایی که دم از بایکوت انتخابات می‌زدند، تمام شد. طبیعی است نتیجه این می‌شود که هم رقابت غیراصولی تقویت می‌شود و هم انگیزه‌مندی در برخی جریان‌ات درون جامعه کاهش جدی پیدا می‌کند. البته عوامل دیگری در این دوره تاثیر داشت که می‌شود به نوع عملکرد در انتخابات هم اشاره کرد. در این دوره هیات‌های اجرایی بسیار بد عمل و پیاپی را صادر کردند که تغییر دانش راح‌ت نبود، به این معنی که بنا نیست رقابت جدی صورت بگیرد. با وجود اینکه شورای نگهبان تلاش کرد پیام غلط‌هیات‌های اجرایی را اصلاح کند اما نتوانست. تمام صورت‌ها غلط دریافت شده ر اصلاح‌کند.»

سلیمی‌نمین به این موضوع اشاره کرد که برخی با تخریب افراد برجسته به دنبال پیروزی در انتخابات بودند که منجر به دلسردی مردم از انتخابات شد و گفت: «عده‌ای مبلغ این امر بودند که باید انتخابات را در طیف اصولگرا تعریف کنیم. آنها خطای جدی مرتکب شدند؛ اینکه بی‌اخلاقی را به اوج رساندند و این امر دلزدگی ایجاد می‌کند. زمانی است که شما در انتخابات آگاهی را تقویت می‌کنید و یک موقع تخریبگری را. طبیعتا جامعه این را نمی‌پذیرد که در انتخاباتی شرکت کند که مثبت و قدرت‌طلبی در

آن اصل است و هر کاری برای تخریب را برای خود مجاز می‌داند. این دوره آدم‌هایی که خیلی برجسته نبودند و برایشان روشن بود بدون تخریب نمی‌توانند به جایگاهی دست پیدا کنند، اولاً به هم نزدیک شدند و بعد در مقام تخریب کسانی برآمدند که می‌توانستند راهنمای خوبی در جامعه باشند و در انتخابات‌ها کمک کنند. آنها را هم به طور حساب‌شده تخریب گسترده کردند. آنها نه تنها رقبای خود، بلکه شخصیت‌های برجسته شاخص را تخریب کردند. طبیعی است که این امر موجب دلسردی و دلزدگی جامعه از انتخابات بشود و شد.»

برخی به دنبال خالی کردن دست جامعه از مدیران مجرب و توانمند هستند

تجربه تلخ دوران احمدی‌نژاد و تخریب توانمندی‌های جامعه آسیب دیگری بود که سلیمی‌نمین به آن اشاره و تکرار آن را در انتخابات این دور مجلس مطرح کرد: «فکرمی‌کنم اتفاقاتی در عرصه سیاست‌ورزی درحال رخ دادن است که ما باید برای آن تمهیدی ببندیشیم و آن این است که برخی از افرادی که نه سابقه‌ای و نه درکی از مسائل سیاسی دارند، وارد عرصه سیاسی شده‌اند که به‌شدت این عرصه را راززل می‌کنند. فکرمی‌کنم این پیام هم در جریان اصلاح‌طلب و هم اصولگرا دریافت شد که غیروحدانه برخورد کردن با ساختار سیاسی جامعه موجب روی کار آمدن آدم‌های فرصت‌طلبی می‌شود که فقط بلندند خوب عکس مار بکشند و با حرف‌های عوام‌فریبانه در مقام تخریب توانمندی‌های جامعه‌پرور بیایند. ما یک بار در دوران احمدی‌نژاد این را تجربه کردیم. بحث تخریب توانمندی‌های جامعه به‌طور جد از سوی ایشان دنبال شد و فهمیدیم که چرا چنین کاری صورت گرفته است. تخریب خودش هدف نبود و هدف بالاتری در این زمینه وجود داشت و یک دفعه جامعه متوجه شد و نسبت به این اهداف واکنش نشان داد. امروز هم این بحث وجود دارد، برخی پیوندها پشت‌صحنه برده شده که هدفش خالی کردن دست جامعه از مدیران مجرب و باسابقه است. وقتی بتوانید نیروهای مجرب و باسابقه را تخریب کنید، طبیعتا امکان جولان آدم‌های سطحی و فرصت‌طلب فراهم خواهد شد. ما در این انتخابات تا حدی با این پدیده شوم مواجه شده‌ایم.»